

یادداشت

راهبردهای توسعه بخش کشاورزی بعد از بیماری فراگیر ویروس کرونا

محمدرضا محمودیان‌بیدگلی کارشناس توسعه منابع آب

● کشور ایران به‌دلیل ویژگی‌های فیزیوگرافی، تنوع در اقلیم، وجود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و قدمت فعالیت‌های کشاورزی از منابع طبیعی بسیار غنی برخوردار است.یکی از شاخصه‌های ارزشمند این منابع غنی، وجود ذخایر ژنتیکی گیاهی و جانوری بسیار است که تعداد آن در ۱۲ هزار گونه گیاهی و جانوری می‌رسد. این رقم نزدیک به پنج برابر کل گونه‌های مختلف قاره سرسبز اروپاست.شاخص‌های دیگر وضعیت عمومی کشور در مقایسه با شرایط جهان شامل: وسعت خاکی در ایران ۱۰۲ درصد نسبت به جهان، جمعیت در ایران، یک درصد نسبت به جهان، حجم آب قابل استحصال سالانه، ۱۰۱ درصد نسبت به جهان، وسعت شست آب، ۲۰۳ درصد نسبت به جهان، ضریب خوداکتایی محصولات کمتر از ۸۰ درصد نسبت به جهان.این آمارها به‌خوبی نشان می‌دهد که از یک طرف شاخص‌های کلی کشور در مقایسه با جهان نه‌تنها متناسب با نسبت جمعیت کشور است، بلکه این کشور از شرایط مطلوب‌تری در مقایسه با متوسط سایر کشورهای جهان برخوردار است و از طرف دیگر وسعت کاربری اراضی آبی به نسبت جمعیت در کشور نشان‌دهنده ۲/۳ برابربودن کاربری اراضی آبی نسبت به متوسط کاربری جهان است. این در حالی است که میزان خوداکتایی محصولات و ضریب امنیت غذایی در کشور کمتر از ۸۰ درصد است؛ بنابراین میزان بهره‌وری از منابع و عوامل تولید در کشور کمتر از ۲۵ درصد متوسط بهره‌وری جهان در واحد سطح است که از عدم بهره‌برداری صحیح از منابع و عوامل تولید حکایت می‌کند.مهم‌ترین دلایل عدم بهره‌وری مطلوب از منابع و عوامل تولید (شرایط اقلیمی، نیروی انسانی، آب، خاک، نهاده‌ها و ماشین‌الات) در بخش کشاورزی ناشی از اتخاندنکردن راهبردها و راهکارهای اصولی، مدیریت ناکارآمد در بخش کشاورزی (از سطح خرد و کلان) و مسائل اجتماعی ناشی از نظام بهره‌برداری ناکارآمد موجود مانند خرد و پراکنده‌بودن اندازه قطعات مالکیت‌ها، سن بالا و دانش علمی اندک و نبود روحیه تعاون و همکاری بین بهره‌برداران (کشاورزان) است.آمارهای رسمی کشور نشان می‌دهد میزان رشد اقتصادی بخش کشاورزی از دیگر بخش‌های اقتصادی کشور به‌طور مستمر بیشتر بوده و گاه چندین برابر بخش‌های دیگر اقتصادی است.با توجه به اینکه میزان قابل توجه اشتغال در کشور به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بخش کشاورزی متکی است؛ سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر این بخش، از رشد اقتصادی مطلوبی در مقایسه با سایر بخش‌ها برخوردار است، چرا روزبه‌روز به تعداد افراد فردوست جامعه که عمدتاً فعالان کشاورزی و افراد روستایی هستند، افزوده می‌شود.به نظر می‌رسد در این محاسبات اقتصادی، میزان ضایعات محصولات کشاورزی از مرحله کاشت تا مصرف کالای نهایی (متوسط میزان ضایعات سالانه بین همه محصولات بیشتر از ۳۰ درصد است) و همچنین به میزان استهلاک منابع آب و خاک، هزینه‌های تخریب و تعرض به جنگل‌ها و مراتع، چرای مفراط و بی‌رویه دام منظور نشده است. علاوه بر آن به شاخص‌های مهم‌تر دیگری از قبیل فرسایش شدید خاک، شور و قلیایی‌شدن منابع خاک، کاهش چشمگیر کیفیت منابع آب و اثرات بهره‌برداری بی‌رویه از ذخایر آب‌خوان‌ها توجه نشده است.توضیح آنکه در چند دهه گذشته ضمن اینکه بالغ بر ۲/۵ میلیون هکتار به خاک‌های شور کشور افزوده شده است و متوسط فرسایش خاک در اراضی کشاورزی به بیش از ۵۰ تن در سال رسیده، بیش از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب اضافه‌فر داشت از ذخایر زیرزمینی داشته‌ایم که این موضوع موجب فرونشست زمین (حدود ۱۲ تا ۳۵ سانتی‌متر در سال) و ایجاد فروچاله‌های زیادی شده است.

ادامه در صفحه ۸

خبر

ارائه طرح ساماندهی اجاره مسکن به ستاد ملی مبارزه با کرونا

● معاون وزیر راه با بیان اظهارنظر درباره زمان اجرای طرح اجاره‌داری حرفه‌ای به دلیل ویروس کرونا سخت است، گفت: برای بخش اجاره مسکن تصمیماتی گرفته شده که در صورت تصویب در ستاد ملی کرونا یک‌سایه کام به جلو است. محمود محمودزاده در گفت‌وگو با تسنیم اظهار کرد: طرح اجاره‌داری حرفه‌ای سال گذشته تدوین و بهمن‌ماه برای دستگاه‌های ذیربط ارسال شد. معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی افزود: برای امسال اجاره‌داری حرفه‌ای به مفهوم ساختارسازی است؛ به عبارت دیگر، شرکت‌هایی را ایجاد کنیم که این کار زمان‌بر است. مسکن است سه ماه یا شش ماه تأسیس یک شرکت زمان برد و اطلاع‌رسانی لازم برای آن انجام شود. به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی، تمدید قراردادهای اجاره مسکن جز پیشنهادات وزارت راه و شهرسازی به ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا برای حمایت از مستاجران است.

شرق: اسفند سال گذشته بود که خبری مبنی بر اعطای دو پایه تشویقی مدیریتی مادام‌العمر برای ۱۱ نفر از مدیران وزارت نفت منتشر شد؛ خبری که دیروز بهانه‌ای بر نگارش گزارشی در خبرگزاری فارس شد. این خبرگزاری در گفت‌وگو با جلیل سالاری، قائم‌مقام اسبق شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران، این اقدام وزارت نفت را غیرقانونی می‌داند و از دستگاه‌های نظارتی خواسته که به این موضوع ورود کنند. «شرق» با پیگیری این موضوع از روابط عمومی وزارت نفت دریافت که به ادعای این وزارتخانه، این روال قانونی بوده و دستگاه‌های نظارتی نیز ورود کرده‌اند و با استناد به قانون، اقباع شده‌اند. حال این پرسش مطرح است که با فرض قانونی‌بودن این اقدام، آیا از اساس این قانون درست و برپایه منطق است؟ درزمانی‌که اکنون چالش بر سر افزایش حقوق کارکنان، اختلافات قابل توجهی را ایجاد کرده، آیا این تضاد چشم‌گیر آسوی مردم پذیرفته می‌شود؟ آیا این بار هم سازمان امور اداری و استخدامی است که باید پاسخ‌گو باشد و اینگونه قوانین در کنار ۲۴۱ مدیر دولتی نجومی‌بگیر که پیش‌تر شناسایی شده‌اند، از اساس چرا باید یک نرم قانونی باشد؟

وزارت نفت، از اقباع نهادهای ناظر خبری می‌دهد

به گزارش فارس، در بهمن سال گذشته، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی با استناد به برخی مفاد مجموعه مقررات اداری و استخدامی وزارت نفت و سایر قوانین موجود در این حوزه، پرداخت دو پایه تشویقی برای چند نفر از مدیران کل و مدیران شرکت ملی نفت ایران را تسهیل کرده که این موضوع به تأیید وزیر نفت نیز رسیده است. در این بین برخی کارشناسان معتقدند که اعطای این امتیازات ویژه بدون هیچ استناد قانونی صورت گرفته است که لازم است نهادهای نظارتی مانع اجرای چنین ویژه‌خواری‌هایی در صنعت نفت کشور شوند. اما وزارت نفت معتقد است که مجموعه قوانین موجود در صنعت نفت چنین ظرفیتی برای اعطای دوبایه تشویقی را داشته و در اعطای آن هیچ اقدام خلاف قانونی صورت نگرفته است. «شرق» نیز این موضوع را پیگیری کرد و روابط عمومی این وزارتخانه اعلام کرد که این اقدام مطابق با قانون بوده و تأیید دستگاه‌های نظارتی را نیز دارد. طبق ادعای روابط عمومی وزارت نفت چنین پاداش‌هایی در تمام دستگاه‌ها ازجمله وزارت نفت، مطابق مقررات سازمان امور اداری و استخدامی جاری است و مورد جدیدی هم نیست. براساس گفته‌های این وزارتخانه، طبق مقررات، در وزارت نفت، چنین بندهایی از قبل باقی مانده است. بسیاری هم در طول سال‌های گذشته از چنین مزیت‌هایی بهره‌مند شده‌اند و ارتباطی به اشخاص ندارد. در دستگاه‌های مختلف چنین امتیازاتی، نام‌گذاری‌های مختلف دارد. به‌عنوان نمونه این امتیاز در بین هیئت‌های علمی دانشگاهی، رتبه تشویقی، در نیروهای مسلح درجه تشویقی و در امور نفت، گریذ تشویقی عنوان می‌شود که طبق مقررات اینها، خلاف قانونی رخ نداده است.

گزارش مختصر ارائه‌شده آسوی روابط عمومی وزارت نفت تأکید دارد که «دستگاه‌های نظارتی نیز به این موضوع ورود کرده‌اند و با شفاف‌سازی قانونی و ارائه توضیحات، رفع ابهام شده است».
دلایل مغایرت مصوبه شورای اداری نفت با قانون
جلیل سالاری، قائم‌مقام اسبق شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران، در گفت‌وگو با «شرق» دلایل مغایرت مصوبه شورای اداری نفت با قانون را برشمرده و به فارس گفته است: «از این تصمیم مبتنی‌بر

اقتصاد

وزارت نفت از ورود نهادهای نظارتی و تأیید امتیازهای ویژه به ۱۱ مدیر نفتی خبر داد

تشویقی‌های مادام‌العمر در وزارت نفت؟



مجموعه مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت گرفته شده است، باید بگویم که اعطای دو پایه تشویقی حاکی از بی‌اطلاعی یا تفسیر غیرمتعارف از مقررات مذکور است زیرا در بخش ۱۰۰۳ از فصل اول مجموعه مقررات مذکور هدف تدوین اینن مقررات را اصل برابری و عدالت و جلوگیری از تبعیض در امور مختلف اداری می‌داند. همچنین در بخش‌های ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ مجموعه مقررات فوق‌الذکر ضمن بیان مؤلفه‌های تعهد، تخصص، تجربه، دانش کاری و کارایی بر ارزشدیت، ابتکار و خلاقیت در انتصابات تأکید می‌نماید. همچنین در قسمت ۱۰۰۱-۵ پندهای ۳ و ۱۰ از فصل ۵ مجموعه مقررات مذکور بر انتصاب کارمندان به اصل هم‌ترازی در گروه مشاغلین با توجه به تحصیلات، تجربه کار (سوابق خدمت متنوع) و ارزش کار تأکید شده است که هیچ‌یک از افراد ترفیع گرفته‌شده شامل این موارد نمی‌شوند. اگر در اعطای این ترفیع رتبه به ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات صنعت نفت استناد شود که اساسا خروج موضوعی است، زیرا طبق این ماده، نظام‌های اداری و استخدامی و پرداخت حقوق و مزایای آن دسته از کارکنان شرکت‌های تابعه وزارت نفت که در واحدهای عملیاتی و تخصصی شاغل هستند، با رویکرد تقویت رقابت‌پذیری و سرعت‌بخشیدن به بهره‌برداری از مایدان مشترک و حفظ نیروی انسانی متخصص تابعه آیین‌نامه خاصی است که بدون الزام به رعایت سایر قوانین و مقررات مربوطه و با پیشنهاد وزارت نفت و تأیید معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور تهیه شده و به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد. مشخص است این ماده به شیوه ترمیم حقوق و مزایا جهت نگهداشت کارکنان مشاغل عملیاتی اشاره می‌کند که به‌نوعی رفع تبعیض و رویه عادلانه در پرداخت حقوق و دستمزد است و اساسا هیچ ارتباطی با ۱۱ مدیر ترفیع گرفته ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «ظرفیت ماده ۳۹ آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی کارکنان صنعت نفت که برگرفته از ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت است نیز نمی‌تواند مبنای تصمیمات و اقدامات نادرست و فراقانونی باشد، چراکه محدوده ماده موصوف مشمول شرکت با یک مجموعه از وزارت نفت نیست؛ بلکه صرفا شامل آن دسته از کارکنانی است که در واحدهای عملیاتی (نه ستادی و اداری) اشتغال دارند که پس از تغییر محل خدمت از دایره شمولیت این استثنا خارج و احکام عام حاکم بر امور اداری و استخدامی کارکنان دولت بر آنها جاری است؛ یعنی ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت صرفا درباره مزایای کارکنان مناطق عملیاتی است؛ بنابراین آیین‌نامه نظام‌های اداری و استخدامی نیز باید

مطالعات مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری از تعدد خطای انسانی در سیل گلستان حکایت دارد

خطای مهندسان سیل‌ساز

مرکز بررسی‌های استراتژیک به‌صراحت عنوان شده که گناه تمام خسارات وارده‌به به مردم را نباید به گردن طبیعت و سیلاب انداخت.

تغییر مسیر کانال پخش سیلاب با دستور یک مقام سیاسی

بر اساس پژوهش انجام‌شده در شهر گنبدکاوس تا روستای قرنجیک که سیلاب رودخانه گرگان رود در بستر طبیعی رودخانه جریان داشته است، خسارات کمتری به مناطق اطراف رودخانه وارد شده و حداکثر باعث آب‌گرفتگی در روستاها و شهرهای واقع در حریم رودخانه شده است اما در روستای قرنجیک پورمان در ۲۹ اسفند ۱۳۹۷ شرکت آب منطقه‌ای گلستان تصمیم می‌گیرد کانال انحرافی برای پخش سیلاب در دشت و اراضی کشاورزی واقع در شمال آق‌قلا ایجاد کند تا سیلاب به شهر آق‌قلا نرسد. اهالی این روستا با این تصور که این کانال باعث آب‌گرفتگی روستای آنها خواهد شد، خواهان تغییر مسیر کانال شده و جلوی کار دستگاه‌های حفر کانال را می‌گیرند، در شرایطی که بین آب منطقه‌ای و مردم درخصوص مسیر حفر کانال اختلاف وجود داشته، با مداخله فرماندار وقت آق‌قلا (امانگلدی ضمیر) دستور به حفر کانال از مسیر مدنظر مردم داده می‌شود؛ اما محاسبات مربوط به این کانال انحرافی اشتباه بوده و باعث ورود سیلاب از شمال آق‌قلا به این شهر می‌شود.

بر اساس نظر کارشناسان این پژوهش، درحال‌حاضر قضاوت درباره اینکه اگر کانال انحرافی مدنظر شرکت آب منطقه‌ای گلستان از همان مسیر اولیه حفر می‌شد، سیلاب وارد آق‌قلا می‌شد یا نه، امکان‌پذیر نیست ولی این امر قطعی است که اگر سیلاب در همان مسیر طبیعی رودخانه از داخل آق‌قلا می‌گذشت، میزان آب‌گرفتگی حاصل از آن بسیار کمتر از آب‌گرفتگی ناشی از کانال انحرافی و خروج از مسیر طبیعی رودخانه می‌شد. در آخرین شب سال ۱۳۹۷ ترکیبی از مداخله آب منطقه‌ای، مردم و فرماندار باعث خروج سیلاب از مسیر طبیعی گرگان‌رود می‌شود و با خروج سیلاب از مسیر طبیعی رودخانه مدیریت آن بسیار دشوار و مدت زمان ماندگاری سیل هم افزایش می‌یابد. همچنین در این گزارش آمده است که بر اساس تجربه سیل‌های پیشین گرگان‌رود، سیلاب بدون مداخله انسانی از چند نقطه در نزدیکی روستای سلاق‌یلقی و قرنجیک پورمان خارج می‌شود اما مدیریت این مناطق هم به موقع مورد توجه قرار نمی‌گیرد. غفلت از نقاط خروج سیلاب گرگان رود در نزدیکی روستای سلاق یلقی باعث می‌شود مجددا در ۶ اردیبهشت ۱۳۹۸ آب از همان نقاط پیشین خارج شده و باعث آب‌گرفتگی

مجدد در آق‌قلا شود. هرچند این آب‌گرفتگی به شدت قبل نبود ولی از این جهت که دقیقا از همان نقطه سابق بود و یک ماه نیز برای اصلاح آن فرصت وجود داشت، حائز اهمیت است.

سیلابی‌شدن به دلیل طرح‌های زهکشی

گمیش‌تپه به‌عنوان شهری که در حاشیه رودخانه گرگان‌رود نیست هم در فروردین ۹۸ دچار آب‌گرفتگی می‌شود. کمیش‌تپه تنها شهری در غرب استان گلستان است که اراضی پیرامونش زهکشی گسترده شده است. بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد سیلاب نخست گمیشان که طبق تصاویر ماهواره‌ای در شمال شرق شهر شکل‌گرفته، دقیقا در زمین‌هایی که زهکشی شده بودند، رخ داده است. درحال‌حاضر طرح اجرایی زهکشی در ۲۸۰ هزار هکتار از اراضی استان گلستان توسط جهاد کشاورزی در حال اجرا است که تا فروردین ۱۳۹۸ از این مقدار ۳۴ هزار هکتار اجرا شده بود و تمامی طرح اجراشده در محدود شهرستان گمیشان قرار دارد. زهکشی اراضی با تغییر شیب زمین و به‌رهم زدن آبراهه‌های طبیعی و ایجاد شیب جدید و کانال‌های مصنوعی مسیری جدیدی را برای عبور آب ایجاد می‌کند که گاملا بر مبنای مداخلات بشری و اقدامات مهندسی است و باعث برهم خوردن ساختار طبیعی زمین و آبراهه‌ها و حوضه‌های آبریز موجود می‌شود. این در حالی است که زمین‌های بالاتر از این اراضی که زهکشی نشده بودند، توانسته‌اند با همان ساختار طبیعی خود رواناها و بارندگی‌ها را هدایت کنند. اهمیت تأثیر منفی زهکشی ۳۴ هزار هکتار از اراضی گمیشان بر سیلابی شدن این شهرستان وقتی بیشتر می‌شود که در نظر داشته باشیم این ۲۴ هزار هکتار فقط فاز نخست طرح زهکشی ۲۸۰ هزار هکتار از اراضی استان گلستان است و احتمالا در آینده با کامل شدن این ۲۸۰ هزار هکتار سایر شهرستان‌های استان گلستان هم با هر بارندگی‌ای درگیر سیل خواهند شد.

نجات سایت پرورش میگو به قیمت سیلابی‌شدن گمیشان

بر اساس نظر مرکز بررسی‌های ریاست‌جمهوری مانند سیلاب گرگان‌رود متأسفانه سیلاب اترک نیز با مداخلات انسانی و سازمانی از مسیر طبیعی خارج شد و با طی مسیری عجیب در نهایت به کمیش‌تپه می‌رسد. در مسیر معمول سیلاب اترک اداره سیلات، سایتی برای پرورش میگو احداث کرده بود که برای حفاظت از تأسیسات این سایت، بدون هماهنگی با ستاد مدیریت بحران اقدام به ساخت دیواره خاکیز و خندق حفاظتی در شرق سایت به طول شش کیلومتر

در راستای محدودیت ذکرشده فقط برای کارکنان مناطق عملیاتی درنظر گرفته شود. اما دوستان در تدوین این آیین‌نامه حتی مدیران مرتبط با مناطق عملیاتی مثل معاون برنامه‌ریزی و سایر معاونت‌ها را نیز در گروه کارکنان عملیاتی محسوب کردند و بندهایی را نیز برای اعطای مزایا و تشویقی به این معاونت‌ها در بندهای ۱۴، ۹۰۳ و ۱۶ ماده ۲ آیین‌نامه ذکر کردند که با شکایت انجام‌شده و براساس رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به دادنامه شماره ۹۲۸ مورخ ۹۶/۹/۲۱ این بندها از آیین‌نامه حذف شدند و به دلیل ایرادات وارده تاکنون در هیچ‌یک از واحدهای عملیاتی صنعت نفت نیز اجرایی نشده است. بنابراین اعطای این تشویقی‌ها به ۱۱ مدیر فعلی برخلاف قانون بوده و استناد به این مواد برای این تشویقی‌ها اعتبار قانونی ندارد.»

سالاری به مقررات اداری وزارت نفت هم اشاره کرده و مطابق با آن هم، چنین اقدامی را زیر سؤال می‌برد: «استناد صورت‌گرفته به مجموعه مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت نیز نادرست است و نمی‌تواند دلیلی برای دریافت ترفیع باشد. زیرا طبق آخرین ویرایش مجموعه مقررات مذکور مورخ تیرماه ۱۳۹۵ که مهم‌بور به مهر و امضای وزیر نفت است، به غیر از ضوابط و شرایط کلی ترفیع کارمندان و برخی امتیازات ویژه جذب و نگهداشت نیروی انسانی نخبه و استعدادهای برتر، هیچ‌گونه ضوابط تشویقی دیگری برای اعطای پایه تشویقی فراقانونی مادام‌العمر وجود ندارد. شایان ذکر است که اغلب این نگرانی که با استفاده از مصوبه ممتازین، دوبایه تشویقی ممتازین را دریافت کرده‌اند به هیچ عنوان عنوان «مدیر جوان» نبوده چراکه دارای پایه حقوق بالای چهارونیم میلیون تومان و سن آنها بالای ۴۰ سال است.»

دستگاه‌های نظارتی برخورد کنند

او همچنین چند اشکال جدی به این مصوبه نیز وارد کرده و می‌نویسد: «به‌طورکلی این مصوبه چندین اشکال اساسی دارد. اولاً در متن درخواست معاونت توسعه و سرمایه انسانی وزارت نفت به ظرفیت مقررات موجود صنعت نفت اشاره شده یعنی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که در مقررات موجود صنعت نفت اعطای پایه تشویقی وجود دارد و ما می‌خواهیم برای آن یک روش اجرایی تدوین کنیم که آدرس غلط و کذب محض است و پایه تشویقی لحاظ نشده است. دوم، پیشنهاددهنده و درخواست‌کننده اعطای دو پایه تشویقی از وزیر نفت در متن مصوبه شورای اداری، مدیرعامل شرکت ملی نفت است و در نتیجه این اقدام انجام‌شده مغایر قانون است؛ زیرا مدیران مورد اشاره در نامه، از مجموعه وزارت نفت است نه شرکت ملی نفت. همان‌گونه که مستحضرب به استناد ماده ۱ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۷، شرکت ملی نفت یکی از شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت است؛ یعنی نمی‌شود مدیرعامل شرکت نفت برای کارکنان وزارت نفت درخواست تشویقی کند، سوم، مطابق قسمت ۱۰۰۳ از فصل اول مجموعه مقررات اداری و استخدامی صنعت نفت، هدف از تدوین این مقررات حصول اطمینان در مراعات اصول برابری و عدالت فیمابین کارمندان و جلوگیری از تبعیض اداری است و در قسمت ۱۰۰۶ مقررات مذکور تصریح شده است که هیچ‌یک از مقامات و مسئولان نباید تصمیماتی اتخاذ کنند که با مقررات اداری و استخدامی مندرج در این مجموعه متناقض یا مغایر باشد.»

و ارتفاع حدود سه متر کرده بود. این خاکریز حفاظتی سایت میگو باعث می‌شود سیلاب اترک نتواند مسیر طبیعی خود را از مراتع و شوره‌زارهای خالی از سکنه طی کرده و به تالاب گمیشان سررازیز شود. خاکریز احداثی سازمان شلات هرنج مانع آب‌گرفتگی سایت میگو می‌شود ولی سیلاب اترک را به سمت شهر گمیش‌تپه منحرف و این شهر را که پیش‌تر هم با دو سیلاب تکریم شده بود، با سیلاب سوم مواجه می‌کند. خاکریز هشت‌کیلومتری احداث‌شده توسط اداره شلات را می‌توان اوج ناهماهنگی‌ها و خودخواهی‌های سازمانی در سیل گلستان دانست.

از دست‌رفتن سرمایه اجتماعی

طبق پژوهش انجام‌شده، مدیریت پس از بحران سیلاب هم با خطاهای سازمانی و انسانی متعددی مواجه بوده و در تشدید خسارت‌ها نقش داشته است. در این گزارش به نبود اطلاعات کافی یا وجود اطلاعات متناقض برای تصمیم‌گیری، مداخله افراد غیرمسئول و گروه‌های ذی‌نفوذ و مختل‌شدن امور، وجود فرماندهان متعدد در تصمیم‌سازی و اخذ تصمیمات متناقض، نبود برنامه و ... اشاره شده است.

همچنین نگارندگان گزارش معتقدند که سیل گلستان علاوه بر پیامدهای اجتماعی پیامدهای سیاسی هم داشته است. در این سیلاب بخشی از دستگاه‌های اجرایی دولت در استان دچار ناکارآمدی شدند و این ناکارآمدی بدینی افکار عمومی کل کشور نسبت به کارآمدی دولت را در پی داشته است. در این گزارش به عزل سریع و بازگرداندن استاندار گلستان که در زمان وقوع سیل در خارج از کشور بود و نقش آن در بدبینی افکار عمومی هم اشاره می‌شود. همچنین به شایعات مربوط به حضور رئیس‌جمهور در کیش اشاره شده و سخن گفتن افکار عمومی و شبکه‌های اجتماعی از عدم واکنش سریع رئیس‌جمهور را نشانگر کاهش سرمایه اجتماعی دولت در سیل گلستان معرفی می‌کند. مجموع یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد وقایع تلخ سیلاب گلستان نه به دلیل بارندگی بی‌سابقه بلکه حاصل خشک‌سالی فکری باسابقه حکمرانانی بود که پیامدهای مخرب اقدامات خود را انکار و با سیلاب هم مرسوم سازمانی، روند وقایع معمول طبیعت را به فاجعه و تبدیل بدین می‌کنند. تسدات‌ند تمامی ابعاد سیل گلستان به طبیعت تهمتی ناروا و فراقانونانه است. آنچه گلستان را زیر آب برد، سیل نبود؛ جهل بود؛ جهلی مستمر که از دهه‌ها پیش با مجموعه گسترده‌ای از اقدامات غربت طبیعت شروع شده بود و بعد از سیل هم در تلاش است با نسبت‌دادن آن به طبیعت این جهل را جمل کند.

ادامه از صفحه ۴

ریسک ورشکستگی در کمین ایران‌لین‌ها

● نمونه دیگر آن نیز تحمیل هزینه‌هایی برای تطابق با مقررات ایمنی پرواز پایدار است که شامل الزامات پشتیبانی و تعمیرات بوده و رعایت‌نکردن آنها نیز منجر به جرایم مالی بیشتر و خسارات جبران‌ناپذیر دیگری اعم از سقوط هواپیما می‌شود.

دسته سوم ریسک‌هایی هستند که هم‌زمان درآمدها و هزینه‌ها را هدف قرار می‌دهند. یک نمونه از آن احتمال وقوع حملات تروریستی یا جنگ است. افزایش احتمال وقوع جنگ یا یک حمله تروریستی علاوه بر اینکه تقاضای سفرهای هوایی را کم کرده و درآمد ایران‌لین‌ها را محدودتر می‌کند، باعث افزایش هزینه‌هایی مانند هزینه پرداخت هزینه مضاعف جهت خرید کلوژهای پوشش جنگ و حملات تروریستی از بیمه می‌شود. مثال بارز آن تأثیر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که هم باعث شد شرکت‌های هواپیمایی تدابیر امنیتی شدیدی را اعمال کنند که هزینه هگفتگی به همراه داشت و هم بخشی از مسافران به علت ترس از حملات مجدد و حتی ترس از تدابیر امنیتی از سفرهای هوایی منصرف شوند.

نمونه دیگر در این زمینه وقوع بحران‌های مالی و اقتصادی و همچنین معضلات اقتصادی حل‌نشده است. بحران‌های مالی و شرایط رکود تورمی منجر به افزایش قیمت سوخت و کاهش تقاضا برای سفرهای هوایی می‌شود. افزایش قیمت سوخت بر ایران‌لین‌هایی که ناوگان قدیمی‌تر و پر مصرف‌تر دارند، بیشتر آسیب وارد می‌کند. در ایران برای مدیریت این موضوع درحال‌حاضر شاید بهترین راه‌حل، ارائه سوخت با نرخ دولتی یا پرداخت یارانه‌های سوخت به ایران‌لین‌ها باشد. بحران‌های اقتصادی منجر به نوسانات نرخ ارز و نرخ بهره می‌شود و ارزش بدهی‌ها و دارایی‌های ارزی ایران‌لین‌ها را تغییر می‌دهد و نرخ وام‌گیری و بازده نهایی سرمایه‌گذاری‌ها را دستخوش تغییرات می‌کند. برای مدیریت بهتر این موضوع می‌توان از اوراق مشتقه استفاده کرد که البته استفاده از انواع آنها در بستر بازار سرمایه ایران هنوز به‌طور کامل میسر نیست.

نمونه بعدی که این روزها نیز صنعت هوایی ایران و جهان را درگیر کرده است، ویروس کرونا یا هر بیماری اپیدمیک دیگر است. گسترش این بیماری‌ها به‌شدت منجر به کاهش تقاضا از سفرهای هوایی، کاهش درآمد ایران‌لین‌ها و

همچنین تحمیل هزینه‌های سنگین عفونت‌زدایی و پاکسازی محیط شده است. در سال ۲۰۰۳ علت گسترش بیماری سارس به مسافرت‌های هوایی نسبت داده شد که به دنبال آن کاهش تعداد مسافران، لغو بسیاری از بلیت‌ها، لغو بسیاری از پروازها، مرخصی خدمه‌های ایران‌لین‌ها و فرودگاه‌ها خسارات قابل‌توجهی به صنعت هوایی وارد کرد. پروازهای آسمان اروپا در همین بحران کرونا در بعضی از روزها به نسبت همین روز در سال قبل به اندازه ۹۰ درصد کاهش یافته است. مثلاً در ۲۹ مارس سال جاری بین ساعت هشت صبح تا ۱۲ ظهر فقط ۳۵۰ هواپیماد در حریم آسمان اروپا به پرواز درآمدند درحالی‌که در روز ۳۱ مارس سال گذشته در همین ساعات، بالغ بر ۲۸۷۶ هواپیما از آسمان اروپا عبور کرده‌اند. به گفته مدیرعامل باتا «بدون شک بزرگ‌ترین بحرانی است که صنعت حمل‌ونقل هوایی تا‌به‌حال به خود دیده است». تنها چیزی که ممکن است قسمتی از این زیان را جبران کند، هزینه فرصت کاهش مصرف سوخت به علت کاهش تعداد سفرهاست. شاید آزمایش‌هایی‌های اپیدمیک منجر به تغییراتی در ساختار داخلی هواپیماها نظیر نحوه قرارگیری صندلی‌ها شود. به‌عنوان یک راه‌حل اضطراری می‌توان از چیزی شبیه به گواهی سلامت برای مسافران نیز استفاده کرد که البته کاری زمان‌بر و هزینه‌بر است اما قطعا نباید هزینه آن بر دوش ایران‌لین‌ها قرار گیرد. نمونه آخر از ریسک‌های دسته سوم نیز ریسک کشور یا ریسک سیاسی است که ایران‌لین‌ها با آن مواجه هستند. تحریم‌های ظالمانه علیه ایران و از جمله تحریم صنعت هوایی کشورمان و بالاخص تحریم ویژه برخی از ایران‌لین‌ها منجر به کاهش درآمد و همچنین افزایش هزینه‌های آنها می‌شود.

اگر این سه دسته از ریسک‌های سطح اول به روش صحیحی مدیریت نشوند و تدابیری برای کنترل آنها اندیشیده نشود به علیی‌چون هزینه ثابت بالای ایران‌لین‌ها، حساسیت یا کشتش بالایا تقاضا با عوامل مذکور، تقاضای دوره‌ای یا فصلی برای خدمات، رقابت شدید و... منجر به بروز ریسک‌های دیگری می‌شود که در سطح دوم قرار دارند. این ریسک‌ها شامل ریسک کمبود نقدینگی، ریسک سرمایه در گردش، ریسک اهرم مالی، ریسک تجاری و... هستند. آنچه اکنون برای مدیران این صنعت واجب است اولاً شناسایی دقیق این ریسک‌ها بوده و ثانیاً پس از شناخت باید تدابیری برای مدیریت صحیح آنها بیندیشند. یکی از این روش‌ها سارنویونوسی برای وضعیت‌ها و رخدادهای محتمل آتی است تا در صورت وقوع هر وضعیت بتوانیم بحران را مدیریت کنیم و از قبل برای آن وضعیت برنامه‌ای تدوین کرده باشیم.